

نقش سردار شهید حاج حسین خرازی در تغییرات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

اصغر منتظرالقائم^۱

چکیده

تغییرات اساسی و بنیادین در تحولات اجتماعی عموماً توسط افرادی با قدرت اراده، خلاقیت و استعدادی فراتر از سایرین صورت می‌گیرد. دوران دفاع مقدس به سبب ویژگی‌های خود به عرصه‌ای جهت بروز استعدادهای درونی افراد تبدیل شد. فرماندهان نظامی در این میان مطمئناً جایگاه والایی داشته‌اند. حاج حسین خرازی از فرماندهان شجاع جنگ تحمیلی به سبب وجود پیشینه مبارزاتی در پیش از دفاع مقدس و به ویژه سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت توانست وجه نظامی تأثیرگذاری در دوران دفاع مقدس از خود نشان دهد. حضور درخشان در عملیات ثامن الائمه، فتح المبین، بیت المقدس و دلاوری‌های وی در چزابه تنها بخشی از کارنامه سترگ و تأثیرگذار وی در دوران دفاع مقدس بود. باز پس‌گیری بخش عظیمی از سرزمین‌های ایران تحت تصرف نیروهای بعثی عراق در نتیجه تلاش‌های وی و هم‌زمان و نیروهای آموزش دیده زبردست وی در طی نبردهای مختلف بوده است. بر این اساس مسئله این پژوهش تبیین نقش شهید حسین خرازی در تغییرات سیاسی و نظامی دوران دفاع مقدس خواهد بود. روش انجام پژوهش تاریخی حاضر، به صورت توصیفی- تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از طریق مصاحبه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حاج حسین خرازی، دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، تغییرات نظامی، دگرگونی.

مقدمه

تغییرات قابل رؤیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع در طول زمان که جریان تاریخی آن را متحول کند، دگرگونی گویند. چگونگی درجات شدت و ضعف تغییر جوامع در چشم‌اندازهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را نیز دگرگونی گویند. نخبگان و قهرمانان مثل پیامبران و یا سلاطین و حُکام در تاریخ اثرگذار بوده‌اند. اینان با توان و استعدادی که دارند می‌توانند جوامع را شناخته و بر آنها اثر گذارند، بی‌تردید عمل نخبگان بسته به شرایط اجتماعی نیز دارد. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی دو عنصر تداوم و تغییر در ارتباط با یکدیگر هستند و نخبگان می‌توانند منشأ اثر در این باره باشند. گذر زمان نمایشی از چگونگی درجات شدت و ضعف نقش نخبگان در دگرگونی جامعه در چشم‌اندازهای مختلف است. بررسی دگرگونی‌های اجتماعی نشان از تثبیت موقعیت اجتماعی داشته و حتی از منظر هویت‌شناسی می‌تواند پیوسته منظر کم و بیش ثابتی را جهت نقش اجتماعی نخبگان به نمایش گذارد. قهرمانان سرمایه اجتماعی بسیار گرانبغی برای تحولات جوامع هستند و چنانچه به نماد تبدیل گردند در هویت و فرهنگ و عناصر و ابزارهای فرهنگی جوامع به‌عنوان اسوه بازتاب خواهند داشت. برخی از این قهرمانان چنان جایگاهی خواهند یافت که همچون فریدون، رستم و آرش کمانگیر قهرمانان شاهنامه حکیم فردوسی در تاریخ فرهنگ ایران، حسین بن علی (علیه السلام)، ابوذر، حجرین عدی و مختار ثقفی در تاریخ اسلام، اثری پایدار و برای ابدیت جاودانه داشته‌اند. این قهرمانان دیگر یک اثر و بنای تاریخی نیستند که در سیر حوادث دچار آسیب و تخریب گردند، بلکه هیچگاه از خاطره ایرانیان زوده نخواهند شد و اثر جاودانه در هویت و فرهنگی ایران خواهند داشت. شهید خرازی یکی از فرماندهان ارشد دوران دفاع مقدس بود که در تغییرات سیاسی و نظامی دوران دفاع مقدس تأثیر به‌سزایی داشت. سؤالات این تحقیق عبارت است از:

- ۱- اسباب رشد و پیشرفت سریع فرماندهی نظامی و ماندگاری شهید حسین خرازی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس چه بوده است؟
- ۲- عوامل، شرایط و کارگزاران تغییر در درون دفاع مقدس چه بوده است؟

زیست‌نامه شهید خرازی

حاج حسین خرازی، فرزند کریم و طیبه تابش متولد ظهر عاشورای سال ۱۳۳۶ ش در یکی از محلات قدیمی اصفهان به نام کوی باغ کلم در خیابان مسجد سید کنونی به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۵۵ ش دیپلم متوسطه را در رشته طبیعی از دبیرستان نمونه اصفهان گرفت و سپس به خدمت وظیفه عمومی - رفت. در مشهد ضمن گذراندن دوران خدمت نظام وظیفه در محافل مذهبی به مطالعه علوم قرآنی پرداخت. در این هنگام او را به اجبار به منطقه ظفار در کشور عمان فرستادند؛ ولی خرازی چون این سفر را معصیت می‌دانست نمازهای خود را کامل می‌خواند. در سال ۱۳۵۷ شمسی پس از صدور فرمان امام

خمینی(ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگان‌ها وی نیز فرار کرد و به صفوف مردم پیوست و با کوشش تمام در راه به ثمر رسیدن انقلاب فعالیت کرد (دوازده امامی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

خرازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کمیته دفاع شهری اصفهان که پس از مدتی به سپاه پاسداران تبدیل شد، وارد شد و به سبب آشنایی‌اش با تجهیزات نظامی، به مسؤلیت اسلحه خانه کمیته منصوب شد. در پائیز سال ۱۳۵۸ برای مبارزه با ضد انقلاب به همراه ۱۲۰ نفر از اعضای سپاه استان اصفهان به گنبد و بندر ترکمن رفت در این مأموریت پیشنهاد فرماندهی نیروهای اعزامی از اصفهان را نپذیرفت و به‌عنوان فرمانده دسته در پاک سازی شهر گنبد شرکت کرد. وی با ایجاد امنیت در ترکمن صحرا به فرماندهی عملیات سپاه بندر ترکمن منصوب شد و پس از حدود سه ماه، به اصفهان باز گشت. (مشاهدات شخصی نویسنده) هنگامی که زمزمه‌ی خودمختاری کردستان بلند شد و در این منطقه گروه‌های ضد انقلاب اسلامی آشوب بر پا گردید، حسین به کردستان و شهر پاوه رفت و سپس در آزادسازی شهر سنندج از دست گروه‌های مخالف انقلاب اسلامی نقش مؤثری ایفا کرد. حسین خرازی باهوش و استعدادی که داشت تاکتیک‌ها و فنون نظامی و مراتب فرماندهی را خیلی سریع کسب کرد، به گونه‌ای که به فرماندهی گردان ضربت سپاه سنندج منصوب گردید. در خطه‌ی کردستان هنگامی که فرماندهی گردان ضربت را بر عهده داشت، کوشش بسیاری برای آزادسازی و امنیت شهرها و روستاها از خود نشان داد و با یافتن کمین‌های دشمن و مقابله با آنها، امنیت ستون‌های نظامی و مردم را در جاده‌ها تأمین می‌کرد و در آزاد سازی و پاکسازی شهرهای کردستان نقش مهمی داشت، گردان ضربت که وی فرماندهی آن را برعهده داشت با رزمندگان شجاع و دلاور خود در آرامش و امنیت شهرهای کردستان مؤثر بود، بنابر گفته سردار محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهید خرازی: «خرازی در اوج درگیری‌های کردستان به آنجا رفت، بعد از تسخیر کردن شهر سنندج، همراه با علی رضاییان فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه، در سمت فرماندهی گردان ضربت که از قوی‌ترین گردان‌های آن زمان محسوب می‌شد، وارد عمل شد. وی در تسخیر شهرهای دیگر کردستان از قبیل دیوان‌دره، سقز، بانه، مریوان و سردشت نقش مؤثری ایفا نمود» (محسن رضایی، ۱۳۹۴/۹/۱۵).

نقش شهید خرازی در دگرگونی‌های دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی از آنجایی که هیچ خط دفاعی در جنوب در برابر حملات بعثی‌ها نبود و عملیات پارتیزانی نیروهای مردمی و سپاه با اسلحه و تجهیزات بسیار محدود برای مقابله با تهاجم بعثی‌ها کافی نبود. خبر سقوط شهرهای جنوب یکی یکی شنیده می‌شد، شهید خرازی با وجود نگرانی‌هایش در کردستان، در آغازین ماه‌های جنگ تحمیلی از کردستان به جبهه‌های جنوب آمد و از سوی سردار رحیم صفوی به فرماندهی منطقه عملیاتی دارخوئین منصوب شد (بنی‌لوحی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۴۶). با انتخاب او تحول عظیمی در جبهه‌ی دارخوئین روی داد. حسین برای جلوگیری از نفوذ دشمن در روستای محمدیه از توابع سلیمانیه جوی آبی را در نزدیکی کارون به همراه نیروهای تحت امر خود به یک خاکریز تبدیل

کرد و این نخستین خط دفاعی منطقه بود که به خط شیر معروف شد. پس از مدتی ابتکار و طرح اولیه احداث یک کانال توسط محمود پهلوان نژاد مطرح شد (بنی‌لوحی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۳۶) و مورد موافقت شهید خرازی قرار گرفت. نیروهایی که از کردستان آمده بودند به همراه نیروهای تازه نفس اعزامی از اصفهان شیاری به طول ۱۷۵۰ متر تا نزدیک خطوط بعثی‌ها کردند. از نیمه‌ی دوم بهمن ۵۹ هدایت عملیات در منطقه عمومی دارخوئین به او واگذار شد. حسین با آموزش مستمر رزمندگان تحت امر خود آنان را برای یک عملیات سرنوشت‌ساز آماده ساخت ولی ستاد عملیات جنوب از پذیرش عملیات خودداری می‌کرد. سرانجام با دعوت شهید مصطفی ردانی پور از شهید آیت الله سید محمد حسین بهشتی رئیس قوه قضائیه که در آن زمان در اهواز بود، حضور آن شهید در میان رزمندگان در محل انرژوی اتمی دارخوئین و سخنرانی مهیج (عکس ضمیمه) و وساطت وی نزد فرماندهان، ستاد عملیات جنوب با موافقت کرد. حاج حسین فرماندهی جبهه‌ی دارخوئین و هم‌زمان او، در عملیاتی برنامه‌ریزی شده در طی چندین ماه سرانجام موفق شدند، با استعداد سه گروهان مواضع لشکر زرهی در شمال منطقه‌ی سر پل نیروهای بعثی عراقی در شرق جاده اهواز به آبادان را در هم بشکنند و حماسه‌ای به وجود آورند که نقش بسیار مؤثری در روند سیاسی و نظامی آن مقطع جنگ تحمیلی ایفا کرد. هم‌زمان با این عملیات در تاریخ ۶۰/۳/۲۱ امام خمینی(ره) سید ابوالحسن بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوای مسلح ایران عزل کرد، لذا این عملیات به نام فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا نام گذاری شد. یکی از بازتاب‌های این عملیات تقویت خط امام و عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری از سوی مجلس شورای اسلامی بود (بنی‌لوحی و...، ۱۳۷۹: ۱۵۵). این عملیات که با فرماندهی سردار رحیم صفوی و شهید خرازی انجام گرفت و طلسم شکست ناپذیری بعثی‌ها برای اولین بار شکست (اصغرصبوری، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶). در این عملیات خرازی به عنوان فرمانده درنوک حمله قرار گرفت و تا زمان شهادتش همیشه خط شکن بود (نصراصفهانی، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶). این عملیات باعث افزایش تجربیات نظامی نیروهای مردمی و سپاه پاسداران گردید و می‌توان به آن «آموخته‌های سلسله عملیات الگو» نام داد. از جمله تأثیر نزدیک شدن به دشمن برای شروع حمله، رعایت اصل غافلگیری، تأثیر حضور فرماندهان در میدان نبرد و خطوط مقدم و... با انجام این عملیات هسته اصلی تیپ امام حسین (علیه‌السلام) شکل گرفت و این عملیات زمینه‌ساز عملیات بزرگ ثامن‌الائمه و عملیات دیگر گردید (مصاحبه منتظرالقائم، با بنی‌لوحی، ۱۳۹۳/۴/۵).

عملیات ثامن‌الائمه یک عملیات مهم و حساس بود. چرا هدف اول آن آزادسازی آبادان از محاصره و تحقق فرمان امام و دوم شکست استکبار جهانی و رسانه‌های وابسته به جنگ روانی علیه ایران و شکست نیروهای متجاوز بعثی عراق بود زیرا بعثی‌ها یک بار در تاریخ ۶۰/۵/۲۸ به مواضع رزمندگان حمله کرد و با تلفات زیاد و دادن ۳۰ اسیر عقب‌نشینی کرد. عملیات ثامن‌الائمه هم‌زمان با بحران داخلی در ایران پس از فاجعه هفتم تیر و شهادت ۷۲ تن از یاران امام و فاجعه شهادت رجایی و باهنر در هشتم شهریور ماه انجام گرفت. درگیری‌های هواداران بنی‌صدر و منافقین با مردم و نیروهای انقلاب در شهرها مشکلات بسیاری را ایجاد کرده بود. حاج حسین نیروهای تحت امر خود را به استعداد سه گردان از سه محور کنار

کارون، کنار جاده اسفالت آبادان اهواز و کنار نهر شادگان کرد تا حرکت نهایی در تاریخ ۶۰/۷/۵ آغاز گردید. تصرف پل قصبه اهمیت زیادی داشت، لذا فرماندهان جبهه‌ی دارخوئین مانند حاج حسین، رذانی‌پور، سلیمانی، عسکری، سلیمان‌پور از این مسیر در عملیات شرکت کردند و این پل را تصرف کردند. تصرف این پل باعث اختلال در تصمیم‌گیری فرماندهان عراقی شد؛ زیرا باید نیروهای خود را در پل حفار متمرکز می‌کردند و رزمندگان این پل را به آتش بستند و باعث سردرگمی و بحران در منطقه تحت تصرف دشمن شد (بنی‌لوحی و...، ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۱۶). از نتایج مهم این عملیات موجب قطع ارتباط میان نیروهای بعثی در شمال و جنوب هورالعظیم گردید و کار تدارک و عملیات را بر نیروهای بعثی سخت کرد. به غنیمت گرفتن ده‌ها تانک از تیپ ۶ زرهی بعثی عراق بود که سپاه پاسداران با استفاده از این تانک‌ها نخستین یگان زرهی خود را تشکیل داد. پس از این عملیات اقدام به تشکیل تیپ‌های امام حسین(ع)، کربلا، نجف اشرف و عاشورا شد و آنها با استفاده از غنائم بسیاری که در عملیات ثامن الائمه به‌دست آوردند یگان‌های خود را تسلیح نمودند (مصاحبه منتظرالقائم با بنی‌لوحی، ۱۳۹۳/۴/۵ شمسی).

این یگان‌ها در عملیات آزادسازی بستان (طریق القدس) شرکت فعال داشتند. با ابلاغ ستاد عملیات جنوب تیپ امام حسین(علیه‌السلام) با استعداد ۱۵ گردان به فرماندهی شهید خرازی و جانشینی شهید حجه الاسلام و المسلمین مصطفی رذانی‌پور تشکیل شد (بنی‌لوحی و...، ۱۳۷۹: ۲۲۲). یک ماه بعد در تاریخ ۶۰/۹/۸ عملیات طریق‌القدس از محور شمال کرخه شروع و با انهدام کامل لشکرهای متجاوز بعثی عراق و تصرف تپه‌های رملی چزابه با موفقیت به آزادسازی بستان منجر گردید. دشمن در این عملیات تلفات بسیاری از لحاظ نفرات و ادوات داشت. آزمون فرماندهی عالی شهسوار اسلام شهید خرازی در عملیات طریق‌القدس و آزادسازی بستان با دور زدن دشمن بعثی از تنگه چزابه با موفقیت همراه بود. در طرح‌های مانور عملیات نظر حسین تعیین کننده بود. شهید خرازی در بعدازظهر روز عملیات حماسه شگرفی آفرید که در تاریخ جنگ‌های دنیا بی‌نظیر بود به سانی که هنگام پاتک یگان‌های بعثی عراق، تنها با یک گروهان جلو حملات سخت آنان را سد کرد و سپس با یک نیروی ۱۵ نفره پیاده به مقابله پاتک بعثی‌ها رفت و تا نیمه شب مقاومت کردند و سپس با حمله نیروهای تازه نفس حملات بعثی‌ها دفع گردید. تجربه‌ی نظامی او بسیار پر ارزش و در جلسات قرارگاه روی طرح‌های وی حساب جداگانه‌ای باز می‌کردند. روش حاج حسین به این گونه بود که وقتی منطقه عملیات مشخص می‌شد زمان بندی می‌کرد و به نظر مسئولین یگان تحت امر خود تا رده‌ی دسته گوش می‌داد و مشورت می‌کرد او معتقد بود ارزش نهادن به نظر و فکر آنها باعث رشد فکری و انگیزه دادن به آنها در مأموریت و عملیات می‌شود و آنها را برای آینده فرماندهی یگان‌های تیپ امام حسین(علیه‌السلام) آماده می‌کرد. دشمن بعثی با انتقال نیروها و ادوات و تجهیزات وسیعی در تاریخ ۶۰/۱۱/۱۷ به چزابه حمله کرد (گذری بر دو سال جنگ، ۱۳۶۹: ۱۳۱). در عملیات مولای متقیان(علیه‌السلام) رزمندگان تیپ امام حسین(علیه‌السلام) حماسه بزرگی آفریدند و طی ۱۴ روز به سختی مقاومت کردند. اوج عملیات روز ۶۰/۱۲/۱ بود رزمندگان با ایثار و از خود گذشتگی و شهادت طلبی با چنگ و دندان از منطقه چزابه حفاظت کردند. در این میان شهید خرازی خود در خط

مقدم در کنار رزمندگان اسلام حضور داشت (مصاحبه منتظرالقائم با بنی لوحی، ۱۳۹۳/۴/۵ شمسی). رزمندگان ما با چنگ و دندان توانستند تنگه چزابه را حفظ کنند اگر دشمن آن را تصرف کرده بود اول جشن پیروزی انقلاب اسلامی برای مردم تلخ می شد دوم نوار پیروزی قطع می شد سوم دشمن روحیه می گرفت و چهارم آمادگی ما برای عملیات فتح المبین تحلیل می رفت (مصاحبه با نصر اصفهانی، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶).

حماسه‌ی مقاومت خرازی دلاور مرد بی‌همتا، در حمله بیش از ۲۰ تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده عراق به تنگه چزابه در تاریخ ۶۰/۱۱/۱۷، بر همگان اثبات کرد که وی یکی از شمشیرهای برآن و آب دیده انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) و یکی از فرماندهان عالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خروش حماسی شهید خرازی چنان بود که خالد حسین النقیب یکی از افسران ارشد عراقی در چزابه می‌نویسد: «در آن موقعیت آرزو می‌کردم به جای مرگ تدریجی یک بار و برای همیشه از دنیا بروم. در صحنه رویارویی تیپ‌های ویژه با نیروهای ایرانی متجاوز از ده تیپ به‌طور کامل در چزابه تار و مار شدند» (خالدحسین النقیب: ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۰).

حاج حسین پس از دفع حمله بعثی‌ها به چزابه مأموریت یافت منطقه عملیات فتح المبین در جاده دهلران دزفول و دشت عباس تا عین خوش را از اشغالگران بعثی تصرف نماید. وی نیروهای پیاده تیپ امام حسین(علیه السلام) در حدود ۱۵ گردان را در پادگان دو کوهه تحت آموزش سخت قرار داد و شخصاً در کار آموزش حضور می‌یافت بر آن نظارت داشت (مشاهدات شخصی نویسنده). حسین پس از این آموزش‌ها دستور داد نیروها به منطقه دالپری وتی شکن اعزام شوند. واحدهای تیپ حدود یک ماه پیش از عملیات در منطقه مستقر شدند و گردان‌های پیاده حدود ۲۰ روز قبل از عملیات در موقعیت مهدی در منطقه دالپری مستقر گردیدند. عملیات پس از یک وقفه یک روزه در تاریخ ۶۱/۱/۱ آغاز شد و نیروهای تیپ امام حسین(علیه السلام) به فرماندهی شهید خرازی از دو محور موفق شدند محورهای مورد نظر را در باغ شماره ۷ و جاده دهلران عین خوش تا پل چهل دهانه تصرف کنند و نیروهای بعثی مستقر در کوه‌های شمالی منطقه تا غروب آفتاب به اسارت در آمدند. تیپ امام حسین(علیه السلام) به اهداف خود دست یافته بود، ولی به دلیل عدم موفقیت جناحین در محاصره قرار گرفت. بعد از ظهر پیکری از طرف قرار گاه به نزد شهید خرازی آمد که شما عقب‌نشینی کنید ولی شهید خرازی به شهید ردانی پور گفت استخاره به قرآن بزنند و سوره فتح آمد لذا حاج حسین به قرارگاه اعلام کرد ما مقاومت می‌کنیم. شب حاج حسین دستور داد تمامی خودروهای واحدها را با چراغ روشن از جاده عین خوش به سوی دشت عباس عبور دهند و چراغ خاموش برگردند و این تاکتیک سبب شد تا بعثی‌ها که در صدد حمله بودند منصرف گردند. سرانجام تیپ امام حسین(علیه السلام) پس از سه روز مقاومت با موفقیت جناح‌های دیگر از محاصره خارج گردید (مصاحبه منتظرالقائم، با رضایی اردستانی، ۱۳۹۴/۲/۱۵). بدین سان عملیات پیروزمند فتح المبین به نتایج خود دست یافت و حدود ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک اشغالی جمهوری اسلامی ایران و جاده

مهم دهلران دزفول آزاد گردید و شهرهای اندیمشک، دزفول و شوش از تیررس دشمن خارج گردید (راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله، ۱۳۶۹: ۳۸).

خرازی و نیروهای تحت امر او در عملیات بیت‌المقدس حماسه‌های دیگری آفریدند و سهم به سزایی در آزادسازی منطقه عملیاتی و شهر خرمشهر از تصرف دشمن متجاوز داشتند. عملیات در تاریخ ۶۱/۲/۱۰ از غرب کارون آغاز گردید. هنگامی که رزمندگان با پای پیاده عازم جاده خرمشهر اهواز بودند سحرگاهان هنگامی خرازی دید هوا در حال روشن شدن است دستور داد رزمندگان سوار بر تانک‌ها و نفربرها و خودروها شده و خود را به جاده برسانند. تیپ امام حسین(علیه السلام) به فرماندهی شهید خرازی به همراه تیپ نجف و محمد رسول الله(ص) حماسه شکوهمند دیگری آفرید و قلب ملت ایران را خوشحال کرد. وی در مرحله چهارم سه گردان را از جاده شلمچه پل نو مأمور فتح خرمشهر کرد. رزمندگان تیپ امام حسین(علیه السلام) صبح روز ۶۱/۳/۲ به گمرک رسیدند. از اولین لحظه‌های رسیدن نیروها به ارونند در خط مقدم مستقر شد و سرتاسر منطقه را کنترل می‌کرد و قبل از شروع مرحله‌ی نهایی به نیروهایش گفت باید هدف ما تصرف خرمشهر باشد اگر تا بصره هم پیش برویم مردم در انتظار آزادی خرمشهر هستند. در ساعت‌های اولیه روز ۶۱/۳/۳ یکی از افسران عراق به اسارت درآمد و حاج حسین با او صحبت کرد و خیلی قاطع به او گفت تو را به شهر می‌فرستم و تو با سربازان عراقی صحبت کن و بگو با آنها بدرفتاری نخواهیم کرد و آنها را قانع کن که نترسند و تسلیم شوند و گرنه بسیاری از آنها زیر آتش کشته خواهند شد. لحظاتی بعد هزاران عراقی با صدای الله اکبر و الموت لصدام و با در دست داشتن پارچه‌های سفید که پیراهن‌های خود را در آورده بودند و با زیر پیراهن‌های سفید به طرف ما می‌آمدند. از آن نقطه ۱۵ هزار سرباز دشمن به اسارت درآمدند و یکی از عجیب‌ترین رویدادهای ۸ سال دفاع مقدس اتفاق افتاد. سردار سرلشکر محسن رضایی می‌گوید آن دو نفری که تیر خلاص را به صدام زدند در فتح خرمشهر (عملیات بیت المقدس) حسین خرازی و احمد کاظمی بودند (مساج: ۱۳۸۹، ۸۰). شهید صیاد شیرازی در سخنانی به مناسبت آزادی خرمشهر در سال ۱۳۷۱ درباره شهید خرازی گفت: «در قرارگاه صدای شهید خرازی را از بی‌سیم شنیدیم که می‌گفت اجازه بدهید با یک گردان وارد خرمشهر شویم ولی به وی گفتیم مگر می‌شود با یک گردان با چند لشکر روبرو شد. به هر صورت او اصرار می‌کرد ناخودآگاه به او اجازه دادیم پس از ساعتی دوباره وی با بی‌سیم گفت عراقی‌ها تسلیم شدند و ما باورمان نمی‌شد زیرا واقعاً این کار باور کردنی نبود که انجام دادند». بدین سان شهید خرازی بنابر گفته فرماندهان عالی جنگ در طی طول سال دوم جنگ تحمیلی در دگرگونی‌های سیاسی و نظامی جبهه‌های جنگ و دگرگونی اوضاع به ضرر صدام و اشغالگری حزب بعث نقش تعیین کننده بزرگی داشت و در پیروزی‌های جمهوری اسلامی از عملیات فرماندهی کل قوا تا بیت المقدس سهم به سزایی ایفا کرد.

شهید خرازی در عملیات رمضان جانشین قرارگاه فتح و سپاه سوم صاحب الزمان بود و پس از عملیات رمضان و کنار کشیدن شهید مصطفی ردانی پور از فرماندهی قرارگاه به علت اشکالاتی که وی به طرح عملیات داشت وی به جای مصطفی منصوب شد. حاج حسین در عملیات محرم فرمانده قرارگاه فتح بود و

در عملیات والفجر مقدماتی به فرمانده سپاه سوم صاحب الزمان منصوب شد و چندین لشکر زیر نظر او وارد عملیات شدند. وی در مرحله آخر عملیات والفجریک، بار دیگر به فرماندهی لشکر امام حسین(علیه السلام) منصوب گردید. شایان توجه است که تیپ امام حسین(علیه السلام) از عملیات محرم به لشکر ارتقا یافته بود. آزمون فرماندهی شهید خرازی بار دیگر در عملیات والفجر ۲ در تاریخ ۶۲/۴/۲۹ در منطقه حاج عمران به اثبات رسید. شهید خرازی در عملیات والفجر ۴ در تاریخ ۶۲/۷/۲۷ در منطقه مریوان و پنجوبین به همراه رزمندگان تحت امر خود در لشکر ۱۴ امام حسین(علیه السلام) حضور داشت و در انهدام قوای دشمن بعثی طی ۳۳ روز رشادت‌های بی‌نظیری به‌ویژه در تصرف تپه کانی مانگا از خود نشان دادند (مصاحبه منتظرالقائم، با رضایی اردستانی ۱۳۹۴/۲/۱۵). شهید خرازی در عملیات خیبر ابتدا در منطقه پاسگاه زید در تاریخ ۶۲/۱۲/۳ عملیات سختی را با استعداد ۱۵ گردان در سه محور انجام داد و با عبور از میداین مین و چندین رشته سیم‌های خاردار و موانع خورشیدی و کانال‌های سدکننده و سنگرهای کمین، به عمق خط دفاعی دشمن دست یافت ولی به دلیل عدم الحاق یگان‌های دیگر از سوی قرارگاه دستور بازگشت به مواضع قبلی صادر شد. پس از آن لشکر امام حسین(علیه السلام) مأمور عملیات در منطقه طلائی‌ه گردید. حاج حسین و نیروهای تحت امر وی آزمون سخت دیگری دادند و با شجاعت بی‌نظیر و توکل به خداوند با عبور از میداین مین و سنگرهای کمین دشمن و عبور از شکاف دژکنار هورخروط دفاعی دشمن را منهدم کردند ولی به علت روشن شدن هوا و آتش سنگین دشمن و نرسیدن به پل طلائی‌ه کار پیش‌روی کند گردید. شهید خرازی برای کنترل خط در کنار رزمندگان تحت امر خود با صلابت باقی مانده بود و سرانجام به شدت مجروح و دست راست خود را تقدیم انقلاب اسلامی نمود. نامبرده در این باره می‌گوید: «خواستند ملائکه‌الله مرا به عالم بالا ببرند، هنوز دل از دنیا نکنده بودم، ولی فقط همین اندازه لیاقت داشتم» (مصاحبه منتظرالقائم، با بنی لوحی، ۱۳۹۳/۴/۵ شمسی).

شهید خرازی پس از سه ماه معالجه و بهبودی به جبهه بازگشت و بار دیگر در عملیات بدر شرکت کرد. این عملیات در تاریخ ۶۳/۱۲/۱۹ در منطقه هور هویزه انجام گرفت و مأموریت شهید خرازی و نیروهای تحت امر وی دستیابی به جاده کنار رودخانه دجله بود؛ ولی برخلاف رشادت گسترده فرماندهان گردان‌های لشکر به دلیل عبور از آب گرفتگی ده‌ها کیلومتر و عدم دسترسی به آتش پشتیبانی و تدارک رزمندگان و با شهادت سه نفر از فرماندهان گردان‌های لشکر سرانجام دستور بازگشت به نیروهای لشکر صادر گردید. پس از آن چند روزی حفاظت از جاده ۱۳ کیلومتری خندق در داخل هور بر عهده شهید خرازی گذاشته شد. وی با هوشمندی و نظارت دقیق از نزدیک کار زدن سنگرهای بتنی برای حفاظت از رزمندگان را علی‌رغم داشتن یک دست دنبال می‌کرد و با وجود شهادت فرمانده محور و یار دیرینه خود قربانعلی عرب و آتش سنگین هوایی و توپخانه دشمن در کنار رزمندگان باقی ماند و این جاده را حفاظت کرد (مشاهدات شخصی نویسنده).

شهید خرازی در عملیات والفجر هشت، پس از حدود چهار ماه آموزش آبی و خاکی نیروهای لشکر تحت امر خود در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ در شبه جزیره فاو وارد عملیات شد. شهید خرازی با آموزش‌های آبی

بسیار سخت نیروهای غواص گردان یونس و منتخبین گردان‌های پیاده را برای عملیات عبور از اروند رود آماده ساخت. وی با نیروهای رزمنده گردان‌های خود از اروند عبور و در شبه جزیره فاو به سوی جاده بصره پیشروی کردند (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۶۶). شهید خرازی و نیروهای تحت امر وی در منطقه کارخانه نمک پس از ۲۰ روز با آتش سنگین و حضور در خط و شلیک مستقیم با مسلسل موفق شد پاتک‌های دشمن بعثی و گارد ریاست جمهوری عراق را دفع کند (محمودزاده، ۱۳۷۵: ۲۱۸) و حماسه دیگری بیافریند و ماشین جنگی ارتش صدام را از کار بیندازد. آن‌گونه که روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد:

«شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاش‌های خود جهت باز پس‌گیری فاو دست بردارد. عراق نمی‌تواند اجازه دهد ایرانی‌ها در این شهر باقی بمانند، زیرا این مسئله به احتمال قوی عواقبی تضعیف‌کننده از نظر روحی و سیاسی در داخل عراق و نیز در کشورهای همسایه خواهد داشت... تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای ایران و غافلگیری عراقی‌ها، به طوری که هنوز هم موفق به بیرون راندن سربازان ایرانی از منطقه نشده‌اند، بغداد را سخت سرافکنده کرده است».

راديو بی‌بی‌سی نیز طی تفسیری اظهار داشت: «ایران به خوبی در زمین از عهده نیروها برآمد و تصرف این همه اراضی عراق، ضربه‌ای تحقیرآمیز به عراق وارد آورده است» (محمد درودیان، ۱۳۷۵: ۲۱۲). عملیات والفجر هشت ضربات سنگینی به ماشین جنگی عراق را که با کمک دول بزرگ و کشورهای عربی منطقه تقویت شده بود، وارد کرد. به سانی که تلفات یگان‌های نظامی ارتش بعثی عبارت بود از: در مجموع ده تیپ پیاده، کماندویی و نیروی مخصوص دو تیپ زرهی، چهارگردان ضد هوایی، ده گردان قاطع جیش الشعبی و پنج گردان توپخانه دشمن به‌طور صددرصد منهدم گردید. از طرف دیگر سی و سه تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، هشت تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از شصت در صد منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند. همچنین نزدیک به ده لشکر و پنج تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، سی در صد آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند (محمد درودیان: ۱۳۷۵، ۲۰۹).

یکی از برگ‌های زرین کارنامه شهید خرازی عملیات غرور آفرین و بی‌نظیر و شگفت‌انگیز کربلای سه بود. این عملیات به قصد تصرف اسکله نفتی الامیه برای ضربه زدن به صدور نفت عراق و اثبات حاکمیت ایران بر خلیج فارس بود. این عملیات آبی در تاریخ ۶۵/۶/۱۰ به وسیله یک گردان غواص آموزش دیده و یک گردان سوار شناور تحت امر شهید خرازی در شب و با وجود امواج سهمگین و جزر و مد شدید آب انجام گرفت و رزمندگان لشکر امام حسین (علیه السلام) پس از سه روز حضور در اسکله با انهدام آن به سواحل ایران باز گشتند.

حسین خرازی در عملیات کربلای چهار در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ با شش گردان از نیروهای آموزش دیده آبی و خاکی خود در زیر آتش شدید دشمن بعثی، وارد عملیات شد و پس از تصرف جزیره ام الرصاص به دلیل عدم الحاق و بمباران و آتش شدید دشمن، در پایان روز دوم عملیات بنابر دستور قرارگاه به عقب بازگشت ولی تعداد ده‌ها نفر از گردان‌های لشکر وی در حین عقب‌نشینی به اسارت و یا به شهادت رسیدند و مفقود الاثر گردیدند (مصاحبه منتظرالقائم با بنی لوحی، ۹۳/۴/۵).

شهید خرازی پس از عملیات ناموفق کربلای چهار از جمله فرماندهانی بود که در قرارگاه فرماندهی اصرار فراوان بر یک عملیات فوری دیگر داشت، شهید خرازی در یک سخنرانی حماسی گفت: ما آمدیم از اسلام دفاع کنیم، اگر چه همه ما شهید شویم، ما نیامدیم پیروز بشویم، ما آمده ایم به تکلیف عمل کنیم ما همین امروز آماده‌ایم (عسکری مصاحبه با زاهدی، ۹۵/۱/۲۲). وی در شرایط سخت و بحرانی جنگ تنها دو هفته پس از عملیات کربلای چهار، در عملیات کربلای پنج در منطقه شلمچه شرکت کرد و بار سنگین این عملیات را تحمل کرد. این عملیات در منطقه عمومی شلمچه و شرق بصره در حالی که سراسر منطقه از میادین مین و سیم خاردار و موانع خورشیدی با عرض دو کیلومتر پوشیده شده بود و با آب گرفتگی گسترده منطقه انجام شد. در این عملیات زانوهای دشمن قطع و نفس‌هایشان بریده شد. در واقع این عملیات ۴۵ روزه، نبردی بزرگ و طولانی با سنگین‌ترین و بیشترین پاتک‌های دشمن و آتش سخت و بمباران شیمیایی همراه بود. شهید خرازی فرمانده دلاور و شجاع با صبر و استقامت و توکل به نصرت الهی موفق به سقوط قرارگاه سپاه سوم دشمن بعثی و دفع نه پاتک سخت دشمن گردید (منتظرالقائم، مصاحبه با رضایی اردستانی). در عملیات کربلای ۵ تلفات دشمن شامل بیش از ۳۰ هزار کشته و ۸۰ هزار زخمی و ۲۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۸۵ قبضه انواع توپ و هزاران قبضه سلاح‌های سبک و سنگین به غنیمت نیروهای خودی درآمد و بیش از ۸۰ فروند هواپیما، ۷۰۰ تانک و همچنین ۸۱ تیپ و گردان مستقل از ارتش عراق منهدم شد که نشان دهنده گستردگی این عملیات بود (اداره روابط عمومی سپاه: ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

حاج حسین پس از عملیات کربلای پنج برای دیدار خانواده خود به اصفهان آمد ولی پس از چهار روز مجدداً از سوی محسن رضایی فرماندهی کل سپاه به جنوب احضار گردید. شهید خرازی سرانجام در حالی که عشق به خداوند و اهل‌بیت، سراسر وجود او را فرا گرفته بود در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۸ ش در منطقه عملیاتی شلمچه و نهرجاسم در منطقه عمومی عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. رزمندگان لشکر جنازه او را به شهرک دارخوین بردند و هنگامی که خبر شهادت او از بلندگوی شهرک اعلام شد همه غرق در ماتم شدند و به طرف مسجد لشکر آمدند و تابوت او را در بین دست‌های خود حمل کردند و فریاد وای حسین کشته شد همه جا را فرا گرفت کم‌کم تابوت شکست و کفن او هویدا شد و هنوز جنازه بر دست‌ها بود او را پایین گذاشتند چهره‌ی خونین او پیدا شد و قیامتی برپا شد و یاران و نیروهای وی، خود را بر روی او می‌انداختند و کنترل نیروها میسر نبود و جنازه را به مسجد چهارده معصوم بردند و سپس سردار رحیم صفوی در مراسم وداع با سردار فرمانده لشکر خود این چنین شهید خرازی را توصیف کرد: این برادر

عزیزمان حسین، روز ۲۳ بهمن آمد به کمیته دفاع شهری اصفهان و من به او گفتم نگهبانی بلدی و او گفت من سربازی هم رفته‌ام به هر حال او از یک روز بعد از انقلاب فعالیت نظامی خود را شروع کرد و در جنگ‌های گنبد، کردستان و سپس سراسر جنگ تحمیلی با حضور مؤثر خود و تعیین کننده بود. او موقعی کار خود را شروع کرد که لشکر سازمانی و مکانی نداشت او هفت سال ادامه داد ایشان به اوج کمال رسیده و روحش قوی شده بود و ... این شهدا برای اینکه چهار وجب خاک را آزاد و پیشروی کنند شهید نشدند و دشمنان ما نیامده بودند خوزستان را بگیرند آمده بودند این نهضت و انقلاب را در نطفه خفه کنند ... (مصاحبه عسکری با رحیم صفوی، ۹۴/۱۱/۵).

سپس جنازه‌ی او به اصفهان منتقل شد و در محلی که در آخرین سفر، آن را به همسر و دوستانش خویش نشان داده بود در گلستان شهدای اصفهان، قطعه کربلای ۵ ردیف ۴، شماره‌ی ۷ به خاک سپرده شد (اصغر منتظرالقائم، دانشنامه تخت فولاد، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۶۵).

بازتاب شهادت حاج حسین خرازی

چند روز پس از عملیات کربلای پنج، در جریان دفع پاتک بعضی‌ها چند نفر اسیر شدند و پس از بازجویی‌ها گفتند: «در جبهه‌ی ما جشن گرفته‌اند زیرا به رده‌های مختلف از طریق بی‌سیم گفته‌اند که یکی از فرماندهان بزرگ ایران کشته شده است!» همچنین به مناسبت شهادت حاج حسین خرازی، رهبر معظم انقلاب پیامی را صادر کردند. فرازی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در هنگامی که رئیس‌جمهور کشور بودند، به مناسبت شهادت شهید خرازی چنین است:

«شهید خرازی در طول شش سال جنگ قلّه‌هایی از افتخار و شرف را فتح کرده بود، اینک به قلّه رفیع شهادت دست یافته است» (بنی لوحی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

سیره اخلاقی و شیوه فرماندهی شهید خرازی: از نوجوانی اهل نماز جماعت بود و به مسجد سیداصفهان می‌رفت وی خیلی کم غذا بود و گاهی اوقات باید به زور به او غذا می‌دادیم، هیچ وقت نسبت به غذا ایراد نمی‌گرفت و هر چی می‌پختیم بدون ایرادی می‌خورد. وی فردی دائم الذکر و اهل نماز شب و نماز جماعت و کم حرف و اهل مطالعه بود. به من و پدرش خیلی احترام می‌کرد و هیچ وقت روی حرف پدرش حرفی نمی‌زد (مصاحبه با طیبیه تابش، ۱۳۹۳ ش، شماره ۱۰۶). در عین قاطعیت در فرماندهی بسیار مهربان بود و بر سلامت رزمندگان بسیار حساس بود. به غذای رزمندگان خصوصاً خط مقدم نظارت داشت و پس از عملیات دستور می‌داد در میان رزمندگان خط مقدم غذای تازه توزیع شود. وی کارهای شخصی خود را در جبهه خودش انجام می‌داد و پس از آنکه دستش قطع شد به کسی اجازه نمی‌داد کمکش کند (مشاهدات نویسنده). او یک قلب بسیار رئوف، یک انسان عاطفی، یک انسان اهل بُکاء، و گریه و زاری ولی در زمان جنگ بسیار قاطع، جمع بین قاطعیت و نرمش در او تجلی داشت و این خیلی کار سختی است انسانی که أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ وَ بَيْنَهُمْ بَاشِدٌ، حسین خرازی یک انسان قرآنی بود، خلق و خوی قرآنی داشت. مبانی اعتقادی از یک قلب نورانی و از یک معرفت نسبت به اهل بیت

عصمت و طهارت به معنی واقعی برخوردار بود، چهره‌اش یک چهره‌ی نورانی یک انسان متعالی، از نظر معنوی، قدرت ایمانش، قدرت توکلش، صداقتش، اخلاصش، شجاعت، که یکی از شاخصه‌های فرماندهی است (مصاحبه عسکری با رحیم صفوی، ۹۴/۱۱/۵). شهید خرازی همیشه نزدیک یا در خط اول مستقر بود، دوستانش نگران بودند که خدای نکرده مجروح یا شهید شود. آنان التماس می‌کردند که ایشان عقب بروند تا مورد هدف قرار نگیرد، زیرا می‌دانستند که وجود خرازی چقدر لازم است ولی او در این قیدها نبود و بیشتر به دنبال این بود که بداند تکلیف چیست و چه باید بکند. وی می‌توانست در شرایط سخت تصمیم‌گیری کند که چگونه خط را تشکیل و آرایش دهد کجا خاکریز زده شود، نوک حمله دشمن کجاست و کجا فاصله بین یگان آنها و یگان ما کمتر است و دشمن می‌تواند رخنه کند. وی توانمندی و شرایط نیروهای خودی و هم دشمن را می‌دانست و تصمیم‌گیری وی به‌گونه‌ای نبود که از دور و با اطلاعات ناکافی باشد. قدرت تصمیم‌گیری، آینده‌نگری برای دفاع مقدس نوع فرماندهی و سخنانی که در رابطه با طرح مانور بیان می‌کرد چنان مؤثر بود که پیشنهادهای او را دیگر فرماندهان می‌پذیرفتند (مصاحبه با نصرافهانی، مرداد ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶) باشد. وی پیش از هر عملیاتی مستقیماً با نیروهای اطلاعات عملیات به گشت می‌رفت و از نزدیک منطقه را بررسی می‌کرد و سپس با توجیه فرماندهان گردان روی نقشه و تقسیم وظایف هر گردان اقدام به عملیات می‌کرد. وی بر اثر بازدید از منطقه عملیاتی چندین بار دچار حادثه شد (مصاحبه منتظرالقائم با بهرامی، ۱۳۹۶/۴/۲۲ ش). خرازی جرأت و جسارت عملیات سنگین را داشت و سینه سپر می‌کرد و سخت‌ترین منطقه عملیاتی را از قرارگاه می‌گرفت. وی از پیشانی منطقه عملیاتی به دشمن حمله نمی‌کرد و دشمن را فریب می‌داد و آن را دور می‌زد. این تدبیر در جبهه یک فرهنگ شده بود ولی جرأت زیادی می‌خواهد تا یک مرتبه ۲۰ کیلومتر پشت دشمن بروی زیرا امکان اسارت و تلفات سنگین می‌رود. با شهید خرازی پیش از عملیات طرق القدس و آزادسازی شهر بستان در منطقه رملی در شب‌های بسیار سرد و روزهای گرم به شناسایی می‌رفتیم و ۲۴ ساعت پیش از عملیات ما حرکت کردیم و داخل رمل‌ها پشت بوته‌ها ماندیم تا عملیات آغاز شد (مصاحبه عسگری با زاهدی، ۹۵/۱/۲۲). شهید خرازی یک نبوغ نظامی از خودش در جنگ نشان داد که بتواند از قدرت عقلانی، قدرت بالای فکری، قدرت تصمیم‌گیری، مدیریت بحران برخوردار باشد. مدیریت بحران در صحنه‌ی جنگ که بالاترین بحران است بسیار اهمیت دارد چون یک طرفش ما هستیم یک طرف دشمن، ما طرح‌ریزی می‌کنیم ولی دشمن هم طرح‌ریزی می‌کند، هم حمله می‌کند، آقای حسین خرازی یک فرماندهی متفکر، یک نابغه‌ی جنگی بود. شهید خرازی از صفر تا صد لشکر امام حسین را بنیان‌گذاری کرد، آدم جامعی بود که با دقت با ظرافت پادگان درست کرد. همه واحدهای لازم، مثل توپخانه، زرهی، مهندسی را شکل داد و برای هر کدام یک فرمانده گذاشت یعنی در حقیقت واحدهای تخصصی زرهی، ادوات، مهندسی، تدارکات لشکر را تشکیل داد (مصاحبه خانم عسکری با رحیم صفوی، ۹۴/۱۱/۵).

شهید خرازی در طی دوران فرماندهی خود بر گردان ضربت در کردستان و لشکر امام حسین (ع) بر کادر سازی و تربیت رزمندگان با صلابت و استوار تأکید داشت و به همین سبب چندین یگان از نیروهای زیردست وی به فرماندهی یگان‌های دیگر نظامی انتخاب می‌شدند که از آن جمله برخی فرماندهان کردستان و دفاع مقدس مثل سردار کریم نصر اصفهانی، سردار علی زاهدی و سردار اصغر صبوری برای فرماندهی تیپ قمر بنی‌هاشم (مصاحبه با صبوری، شاهد یاران، شماره ۱۰۶، مرداد ۱۳۹۳) و شهید ابراهیم جعفرزاده به فرمانده تیپ زرهی ۲۸ صفر و سپس تیپ الغدیر (منتظرالقائم، ۱۳۸۵ ش: ۶۷) و رضاسلیمانی یکی از فرمانده های توپخانه سپاه (منتظرالقائم، مصاحبه با اعتصامی، ۱۳۹۲) بودند.

فرازی از وصیت نامه شهید

من عبدالعاصی حسین خرازی اشهدان لاله‌الاله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان علیاً و اولاده المعصومین حجج الله گواهی می‌دهم که ائمه معصومین گفتارشان بر ما حجت و امتثال امر و اطاعتشان واجب و پیروی آنها موجب نجات و مخالفتشان موجب عذاب و آنها امامان و شفیعان روز جزا هستند. شخصی هستم معتقد به انقلاب اسلامی ایران و رهبری و ولایت حضرت امام خمینی (ره) روحی له الفدای در عصر غیبت امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف. از مردم می‌خواهم پشتیبان ولایت فقیه باشند. راه شهیدان ما راه حق است. اول می‌خواهم که شهیدان مرا بخشیده و مرا در روز جزا شفاعت کنند و از خدا می‌خواهم که ادامه دهنده راه آنان باشم. آنانی که با بودنشان و زندگی‌شان، درس مقاومت و با رفتن‌شان درس عشق به ما آموختند (شاهد یاران، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶).

آری حسین خرازی فرمانده شجاع و با صلابت لشکر امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید کسی که بالندگی خود را در فرهنگ دوستی اهل بیت، جبهه و شهادت به دست آورد، تا یکی از قهرمانان بی‌نظیر تاریخ ایران و اسلام گردد. نام و یاد او نشان از آزادگی، فداکاری، گذشت، ایثار، عشق و شور و شوق لقاء الله دارد. این قهرمان بزرگ نام و خاطرش برای همیشه تاریخ ایران جاویدان خواهد ماند. او یک سرمایه عظیم اجتماعی بود که اسوه ملت شجاع ایران خواهد ماند زیرا به نماد و سمبل مقاومت شهادت طلبی تبدیل شده است. انسان خود ساخته، عارف و زاهدی که دنیا در نزد او بی‌ارزش بود. شهیدی که شاهد است و نزد پروردگار خود متنعم و دارای کرامتی بی‌پایان است.

از دیدگاه معارف اسلامی انسان یک کرامت ذاتی دارد خلیفه و آیت و مظهر اسماء الهی است که ملائکه الله بر وی سجده کردند (سوره بقره، آیات ۳۴-۳۰). در جای دیگری خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً»؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را بر خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم (سوره اسراء، آیه ۷۰). دیگر کرامت انسان اکتسابی است که در عمل اختیاری انسان تجلی دارد و انسان برای هدایت و گمراهی خود قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری دارد. آن گونه که خداوند می‌فرماید: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ

مَنْ ضَلَّ فَأَنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا: هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود راه یافته و هر که به گمراهی شتافت آن هم به زبان خود رفته و هیچ کس بار عمل دیگری را به دوش نگیرد و ما تا رسولی نفرستیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد (سوره اسراء، آیه ۱۵).

بدین سان قرآن نقش مهمی برای انسان در سرنوشت خود قائل است و همواره انسان را مسئول اعمال خویش می‌داند. انسان‌ها در انتخاب هدف و انجام اعمال پسندیده و ناپسند آزاد هستند و انسان موجودی است که در ساخت شخصیت خود، جامعه و تاریخ مختار است. تفاوت اساسی معارف اسلام با مکاتب دیگر در این است که انسان‌ها موظف به کوشش در حیات دنیوی خود هستند و نتیجه تلاش خود را مشاهده خواهند کرد (سوره نجم، آیات ۴۰ - ۳۸).

اگر استعداد انسان‌ها را با برش تأثیر فرد بر جامعه بخواهیم تقسیم بندی کنیم افراد به سه گروه تقسیم می‌گردند:

۱ - عموم مردم که نه در سطح بالای استعداد هستند نه در پایین‌ترین سطح قرار دارند، به همین سبب در حرکت جامعه و تاریخ تأثیر چندانی ندارند.

۲ - افراد ناتوان و محجور و سفیه که ناگزیر هستند تحت اداره و کنترل دیگران قرار گیرند.

۳ - کسانی که از استعداد درخشان و هوشمندی بالا و اراده قوی برخوردار هستند. اینان شرایط جوامع را درک کرده و می‌توانند آن را در استخدام اهداف خود درآورند و قوای خود را شکوفا کنند. اینان دارای اقتدار و نفوذ گسترده‌ای در جامعه هستند و از تحرک اجتماعی بالایی برخوردارند و با نیروی اراده و قدرت تصمیم‌گیری، جامعه و تاریخ را به حرکت درمی‌آورند. اگر چه عمل اینان تحت تأثیر شرایط اجتماعی، محدود می‌گردد. ولی هر اندازه قدرت و تصمیم‌گیری در این اشخاص قوی‌تر باشد نیل به درجات عالی و کمالات برتر، آسان‌تر خواهد بود. این گروه را در مباحث تاریخی نوابع و قهرمانان و در علوم اجتماعی به نام گروه مرجع، خواص و نخبه نامیده می‌شوند. گی روشه - جامعه شناس فرانسوی - نخبگان را بر اساس اقتدار و نفوذ به شش گروه تقسیم‌بندی کرده است:

۱- مذهبی ۲- تکنوکرات ۳- مالکیت ۴- ایدئولوژیک ۵- خارق العاده ۶- سمبولیک (گی روشه، ۱۳۷۰: ۱۵۳).

نیروی اسوه سازی در انسان‌ها

با بررسی تاریخ و جامعه بشری بر ما روشن می‌گردد بیشتر افراد جوامع از عموم مردم هستند و تنها گروه کمی از آنها از نخبگان و قهرمانان‌اند. گروه اول ناگزیر به همانندسازی و الگوسازی برای خود هستند. نیروی همانند سازی فطری و اکتسابی افراد به گونه‌ای هوشمندانه و غیرهوشیارانه برای حفظ شخصیت خود سعی می‌کند افرادی را که برای وی جاذبه دارد به‌عنوان الگو بپذیرد. مکانیسم دفاعی، عدم بصیرت، محسوس گرایی و جاذبیت قهرمانان موجب می‌شود انسان‌ها با خودآگاهی برای حفظ استقلال شخصیت

خود به اسوه سازی پردازد. عموم مردم در حیات خود ستاره‌هایی را برای خود انتخاب می‌کنند تا از نور آنان روشنایی گیرند. امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا، يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ»: آگاه باش! هر پیروی را پیشوایی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۴۵ : ۵۵۲). و شناخت امام نیاز به بصیرت و پایداری در راه حق و شناخت مواضع حق دارد. به سانی که امام علی (ع) فرمود: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۳ : ۳۲۸).

نتیجه‌گیری

شهید خرازی یکی از فرماندهان دوران دفاع مقدس بود که در فرهنگ دینی و دوستی اهل بیت تربیت شد و در دوران انقلاب اسلامی رشد و بالندگی پیدا کرد. وی همواره یکی از مدافعان سرسخت انقلاب بود و برای حفاظت آن از هیچ کوششی دریغ نداشت. وی از اصفهان تا ترکمن صحرا، پاره و سنج و تمامی صفحات کردستان و در جبهه‌های جنوب سربازی فداکار و از جان گذشته بود. نبوغ و استعداد وی از عملیات فرماندهی کل قوا در برابر دشمن شناخته شد و در عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، جزابه، فتح المبین، بیت المقدس فرمانده تیپ امام حسین (علیه السلام) اوج گرفت. وی در پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن بعثی اشغالگر و در تغییرات دفاع مقدس تأثیر فراوان داشت. بی‌شک وی در باز پس‌گیری هزاران کیلومتر از اراضی اشغالی ایران توسط دشمن بعثی نقش مؤثری داشت. وی در عملیات رمضان، محرم، والفجر مقدماتی و والفجر یک جانشین قرارگاه فتح و فرمانده سپاه سوم بود و چندین لشکر و تیپ را راهبری می‌کرد. خرازی با بازگشت به لشکر در عملیات والفجر ۲ و ۴، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای سه و کربلای پنج رزمندگان این لشکر را فرماندهی کرد و برخلاف اینکه چند بار از جمله در خیبر و فاو مجروح شد، لشکر امام حسین (علیه السلام) را به لشکری پیروزمند و حماسه آفرین و تأثیرگذار در دفاع مقدس تبدیل کرد و در پاکسازی مناطق اشغالی از سوی دشمن بعثی و از کار انداختن ماشین جنگی ارتش صدام حسین و تثبیت انقلاب اسلامی و پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس تأثیر فراوان گذاشت.

منابع

- قرآن مجید
- اداره روابط عمومی سپاه پاسداران (۱۳۸۲)، *کارنامه عملیات سپاه اسلام*، چاپ اول، تهران: سپاه پاسداران.
- بنی لوحی سید علی (۱۳۸۰)، *شور عاشقی*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بنی لوحی سید علی (۱۳۸۸)، *هزار قله عشق*، اصفهان: نشر ستارگان درخشان.

- بنی لوحی، سید علی (۱۳۸۰)، *خورشید تسلیمچه*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بنی لوحی، سید علی؛ مرادپیری، هادی و همکاران (۱۳۷۹)، *نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دانشنامه تخت فولاد اصفهان (۱۳۹۱)، به مدیریت اصغر منتظرالقائم، اصفهان، سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان،
- درودیان، محمد (۱۳۷۵)، *سیری در جنگ ایران و عراق از خرمشهر تا فو*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جلد ۲.
- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۱)، *گذری بر دو سال جنگ*، تهران: انتشارات سپاه پاسداران.
- دوازده امامی، سید محسن (۱۳۷۹)، *فرهنگنامه زندگینامه سرداران شهید استان اصفهان*، اداره کل تحقیق بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله (۱۳۶۹)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- سید رضی (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، تصحیح و ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین.
- فولادوند، مرجان (۱۳۷۹)، *پروانه در چراغانی*، تهران: سوره مهر و نشر شاهد، چاپ ششم.
- گی روشه (۱۳۷۰)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- محمودزاده، نصرت الله (۱۳۷۵)، *عقیق*، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۶۷)، *نبرد فو*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- مساح، مرتضی (۱۳۸۹)، *به خرمشهر رسیدیم* (حماسه شهید حسین خرازی)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- مصاحبه اصغر منتظرالقائم با حاج مهدی بهرامی، نخستین فرمانده اطلاعات و عملیات تیپ امام حسین (ع)، ۱۳۹۶/۴/۲۲.
- مصاحبه اصغر منتظرالقائم با سردار سید علی بنی لوحی رئیس ستاد لشکر امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس.
- مصاحبه اصغر منتظرالقائم با سردار حسین رضایی اردستانی فرمانده محور عملیاتی لشکر امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس، ۱۳۹۴/۲/۱۵.
- مصاحبه خانم عسگری با سردار سید رحیم صفوی (۹۴/۱۱/۵)، وی در دوران جنگ فرمانده عملیات کل سپاه بود و سپس از سوی رهبر انقلاب اسلامی آیه الله خامنه‌ای به فرماندهی کل سپاه منصوب شد و هم اکنون مشاور نظامی رهبر انقلاب است.
- مصاحبه خانم عسگری با سردار علی زاهدی فرمانده تیپ قمر بنی هاشم و لشکر امام حسین و فرمانده سپاه قدس و نیروی زمینی سپاه پاسداران، ۹۵/۱/۲۲.
- مصاحبه شاهد یاران با خانم طیبه تابش مادر شهید حسین خرازی، ۱۳۹۳ ش، شماره ۱۰۶.
- مصاحبه شاهد یاران با سردار اصغر صبوری خوراسگانی فرمانده تدارکات تیپ و لشکر امام حسین و فرمانده تیپ قمر بنی هاشم (۱۳۹۳)، شماره ۱۰۶.

- مصاحبه شاهد یاران با سردار کریم نصر اصفهانی فرمانده گردان تیپ امام حسین و فرمانده تیپ قمر بنی هاشم، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۶.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۵)، *بزمگاه دلبران تاریخچه گلستان شهدای اصفهان*، اصفهان: کانون نشر پژوهش.
- النقیب خالد حسین (۱۳۶۸)، *حزب بعث و جنگ*، ترجمه محمد حسین زوآر کعبه، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.





